

# Women's Lifestyle and Urban Inequalities in Tabriz: Perception of the Female Body in Public Spaces

Ebrahim Mohammadpour<sup>1</sup> , Mohammad Abbaszadeh <sup>2\*</sup>

*Department of Sociology, University of Tabriz, Tabriz, Iran*

Received: 2024/10/18

Received in revised form: 2024/11/14

Accepted: 2024/12/01

Published: 2024/12/21

## Abstract

In the city of Tabriz, the combination of traditional and modern culture has led to the formation of urban inequalities in women's experience of public spaces. The perception of the female body in these spaces is influenced by social norms, urban design, and feelings of insecurity, which can limit women's presence and lifestyle. Accordingly, this study was conducted on the topic of "Women's Lifestyle and Urban Inequalities in Tabriz: Perception of the Female Body in Public Spaces". This research was analyzed using qualitative method and content analysis with the participation of 92 Tabriz women. Sampling began purposively and continued until theoretical saturation. Data were collected through in-depth interviews and analyzed using the Strauss and Corbin method. Analysis of the interviews showed that the main category of "female body; the basis of women's fear" overshadowed women's experiences in public spaces. This category included three subcategories: "Feeling of fear in vehicles", "Feeling of insecurity in public places" and "Reputation in social life", each of which specifically addresses women's concerns and challenges in interacting with urban spaces. Findings: The results and findings of this study highlight the need to review urban policies to reduce gender inequalities and increase women's safety. Redesigning public spaces in Tabriz city by considering women's needs and experiences can be an effective step in reducing gender inequalities, reducing fear and promoting their safety and well-being. Such changes will not only increase women's social participation, but also pave the way for a fairer and safer city for all citizens.

**Keywords:** Lifestyle, Feminine fears, urban inequalities, public space, urban design.

*Cite as:* Ebrahim Mohammadpour, Mohammad Abbaszadeh. Women's Lifestyle and Urban Inequalities in Tabriz: Perception of the Female Body in Public Spaces. *Sociology of lifestyle*. 9 (4): 34-50.

**Owner and Publisher:** University of Tabriz

**ISSN (online):** 2645-5641

**Access Type:** Open Access

**DOI:** [10.22034/sls.2024.19325](https://doi.org/10.22034/sls.2024.19325)

## سبک زیستی زنان و نابرابری‌های شهری در تبریز: ادراک بدن زنانه در فضاهای

### عمومی

ابراهیم محمدپور\*<sup>۱</sup>، محمدعباس زاده\*<sup>۲</sup> 

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

#### چکیده

در شهر تبریز، ترکیب فرهنگ سنتی و مدرن موجب شکل‌گیری نابرابری‌های شهری در تجربه زنان از فضاهای عمومی شده است. ادراک بدن زنانه در این فضاها تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی، طراحی شهری و احساس نامنی قرار دارد که می‌تواند حضور و سبک زیستی زنان را محدود سازد. بر این اساس این مطالعه با موضوع "سبک زیستی زنان و نابرابری‌های شهری در تبریز: ادراک بدن زنانه در فضاهای عمومی" انجام گرفت. این تحقیق با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل مضمون با مشارکت ۹۲ خانم تبریزی مورد تحلیل قرار گرفت. نمونه‌گیری به صورت هدفمند آغاز و تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه گردآوری شده و با استفاده از روش استراس و کوربین تحلیل شدند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مقوله هسته‌ای «بدن زنانه؛ زمینه‌ساز هراس‌های زنانه» بر تجربه زنان در فضاهای عمومی سایه افکنده است. این مقوله شامل سه زیرمقوله بود: «احساس ترس در وسایل نقلیه»، «احساس نامنی در مکان‌های عمومی» و «آبرو گروگان حیات اجتماعی» که هرکدام به‌طور خاص به نگرانی‌ها و چالش‌های زنان در تعامل با فضاهای شهری اشاره دارد. این مطالعه ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های شهری با هدف کاهش نابرابری‌های جنسیتی و افزایش امنیت زنان را برجسته می‌سازد. بازطراحی فضاهای عمومی شهر تبریز با در نظر گرفتن نیازها و تجارب زنان، می‌تواند گامی مؤثر در کاهش نابرابری‌های جنسیتی و ارتقای امنیت و رفاه آنان باشد. چنین تغییراتی نه تنها مشارکت اجتماعی زنان را افزایش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز تحقق شهری عادلانه‌تر و امن‌تر برای تمامی شهروندان خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک زیستی، هراس‌های زنانه، نابرابری‌های شهری، فضای عمومی، طراحی شهری.

نحوه ارجاع: ابراهیم محمدپور، محمدعباس زاده (۱۴۰۳). "سبک زیستی زنان و نابرابری‌های شهری در تبریز: ادراک بدن زنانه در فضاهای عمومی". جامعه‌شناسی سبک زندگی. ۹(۴): ۵۰-۳۴.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۶۴۱

نوع دسترسی: آزاد

DOI: [10.22034/sls.2024.19325](https://doi.org/10.22034/sls.2024.19325)

امروزه اکثر صاحب‌نظران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نظر بر این است که دستیابی به رشد و توسعه بدون مشارکت هدفمند گروه‌های مختلف مردم از جمله زنان امکان‌پذیر نیست و زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارند (Chinomona & Maziriri, 2015). در این راستا بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که اهمیت مشارکت زنان در بخش‌های مختلف جامعه بطور قابل توجهی به دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک شایانی می‌کند (Shrestha et al, 2021; Oparaocha, 2011 & Dutta).

زنان در مقایسه با مردان خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت‌ها و نگاه متفاوتی دارند که در نوع ارتباط آنها با شهر تأثیر می‌گذارد. آنها تسهیلات خاصی از شهر انتظار دارند که با خصوصیات جسمی و نیازهای عاطفی و روحی‌شان متناسب باشد و زندگی روزمره و فعالیت‌هایشان را تسهیل کند. در این حال کسی که مرجع برنامه‌ریزی و تنظیم استانداردهای شهری قرار می‌گیرد از نظر جنسیتی مرد است. به این ترتیب نیازهای پایه‌ای متبلور در استانداردها و ابعاد شهری کنونی پاسخگوی تمام نیازهای زنان نیست و همین خود بر نوع ارتباط و بهره‌برداری آنها از شهر و فضا تأثیر می‌گذارد. در این رابطه مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان و مردان مطابق با نقش‌ها و مسئولیت‌های خود در شهر، به روش‌های متفاوتی از فضاهای شهری بهره می‌گیرند، اما با وجود این تفاوت‌ها، برنامه‌ریزی شهری اغلب با نگاه و درکی مردانه از محیط و نیازهای آنان صورت می‌گیرد. فضاهای شهری شهرهای بزرگ اگرچه بسیار جذاب و برانگیزاننده‌اند، اما سرشار از غریبی، ناامنی و هراسند و جزیره‌های زنانه در یک اقیانوس مردانه ایجاد شده‌اند (Ghahri lalaklou, 2023). در سطح جهانی نیز زنان نسبت به مردان برای کار مشابه دستمزد کمتری می‌گیرند که تقریباً ۴۰ درصد این تفاوت مربوط به «شکاف دستمزد جنسیتی» برآورد می‌شود (Napier et al, 2020). همچنین یکی از فراگیرترین نقض حقوق بشر در جهان، خشونت علیه زنان است (Heise, 2018). این نوع خشونت که بیشتر در کشورهای در حال توسعه که وضعیت اجتماعی-اقتصادی و تحصیلات پایینی دارند، برجسته است (Abrahams, 2006)، معضلی است که در میان تمامی گروه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی رخ می‌دهد و طیف وسیعی از پیامدهای منفی برای سلامت و مرگومیر زنان و فرزندان آنان دارد (Muluneh et al, 2020). دلایل مذکور نه تنها زنان را از رسیدن به نیازهای رده بالاتر همچون خودکوفایی، زیبانشاخی، دانستن و فهمیدن باز می‌دارد، بلکه کاهش تعاملات اجتماع، اقتصادی و فرهنگی آنان را در پی دارد و موجب نامرئی بودن زنان در برنامه‌ریزی‌های شهری می‌شود (Ortiz Escalante et al, 2015).

با گسترش سریع و پیچیدگی‌های زندگی شهری، توجه به نابرابری‌های جنسیتی در فضاهای عمومی بیشتر از پیش اهمیت یافته است. در این میان، «سبک زیستی زنان در فضاهای عمومی» به مجموعه‌ای از رفتارها، انتخاب‌ها و الگوهای حضور زنان در محیط‌های عمومی شهری مانند خیابان‌ها، پارک‌ها و سایر فضاهای عمومی اشاره دارد که به‌طور مستقیم تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و ساختاری قرار دارد. این سبک زیستی زنان، نه تنها بر نحوه حضور فیزیکی آنها در این فضاها تأثیر می‌گذارد، بلکه درک و تجربه زیسته آنان از فضاهای عمومی را نیز شکل می‌دهد.

در بسیاری از موارد، طراحی و سازمان‌دهی فضاهای عمومی به گونه‌ای است که زنان را از استفاده آزادانه و فعالانه از این فضاها باز می‌دارد و احساس بیگانگی در آنها ایجاد می‌کند. این بیگانگی، به‌ویژه زمانی که فضاهای عمومی مطابق با نیازها و شرایط زنان طراحی نمی‌شوند، می‌تواند منجر به کاهش احساس تعلق زنان به این فضاها شود. زنان ممکن است به دلیل تهدیدات

اجتماعی، فرهنگی و امنیتی موجود، از حضور فعال در این فضاها اجتناب کرده و به تبع آن، حقوق اجتماعی و انتخاب‌های فردی آن‌ها محدود گردد.

در این راستا، تجربه زیسته زنان در فضاهای عمومی یک جنبه کلیدی از «سبک زیستی» آن‌ها است که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. در شهر تبریز، که همزمان با ترکیب فرهنگ‌های سنتی و مدرن مواجه است، زنان با چالش‌های خاصی در فضاهای عمومی روبه‌رو هستند. این چالش‌ها نه تنها از منظر امنیت فیزیکی، بلکه از جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی نیز اهمیت دارند. به‌ویژه در مناطقی که بیشتر مردان حضور دارند یا در فضاهایی مانند بازارها، خیابان‌ها، پارک‌ها و حتی دانشگاه‌ها و محیط‌های کاری، زنان احساس تهدید و ترس می‌کنند. این وضعیت به‌طور مستقیم بر امنیت روانی و اجتماعی زنان تأثیر گذاشته و آن‌ها را از مشارکت فعال در زندگی شهری و اجتماعی بازمی‌دارد. بنابراین، این تحقیق با هدف بررسی و تحلیل تجربه زیسته زنان در فضاهای عمومی تبریز تلاش می‌کند تا ابعاد مختلف نابرابری‌های جنسیتی در این فضاها را روشن کند. از آنجایی که این نابرابری‌ها به‌طور عمده به نحوه طراحی فضاها، هنجارهای اجتماعی و مسائل امنیتی بازمی‌گردد، نتایج این تحقیق می‌تواند در توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب برای ایجاد فضاهای عمومی با تأکید بر برابری جنسیتی و امنیت زنان مؤثر باشد.

حال سؤال اصلی این است که چگونه زنان در فضاهای عمومی شهر تبریز، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و شهری خاص این منطقه، تجربه‌ای از حضور، امنیت و احساس تعلق متفاوت دارند؟ و چه تدابیری می‌توان اتخاذ کرد تا این چالش‌ها کاهش یابد و شرایطی فراهم شود که احساس امنیت، راحتی و مشارکت زنان در فضاهای عمومی تقویت گردد؟

## مبانی نظری

### نظریه‌ی فضای عمومی و جنسیت

نظریه‌پردازان تئوری فضای عمومی و جنسیت معتقد هستند که شهرها عمدتاً توسط مردان و برای مردان ساخته شده‌اند. در کتاب "شهر فمینیستی"، لزی کرن به بررسی روابط نابرابر قدرت در شهر می‌پردازد و تلاش می‌کند فضایی برای تفکر خلاقانه درباره یک شهر فمینیستی ایجاد کند. او به نقش زنان در شهر و چگونگی تأثیر این روابط بر زندگی شهری زنان می‌پردازد. کرن بیان می‌کند که شهر فقط یک مکان فیزیکی نیست بلکه یک فضای احساسی نیز هست و بدن‌های ما شهر را شکل می‌دهند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

کرن نشان می‌دهد که نرمال‌سازی مردانگی هژمونیک و هترونرماتیویته در شهر تأثیرات عمیقی دارد که برخی از بدن‌ها را "عادی" و "در جای خود" و بدن‌هایی که با این نرْم‌های غالب هماهنگ نیستند را "خارج از جای خود" در فضای عمومی تولید می‌کند. او به تناقض بین شهر به عنوان فضایی برای آزادی زنان و شهر به عنوان فضایی خطرناک که زنان در آن‌ها تجربه آزار و اذیت روزمره دارند، می‌پردازد. او اشاره می‌کند که بهبودهای طراحی شهری نمی‌تواند به تنهایی ترس زنان را کاهش دهد بلکه باید به نابرابری‌های قدرتی که این ترس‌ها را ایجاد می‌کنند نیز پرداخته شود.

کرن تأکید می‌کند که زنان اغلب به شکل مقاومت‌های روزمره، حق خود را برای شهر تصریح می‌کنند. او مثال‌هایی از مقاومت‌های زنان در فضاهای شهری و نقش اعتراضات سازمان‌یافته در بهبود کیفیت زندگی زنان ارائه می‌دهد. کرن به نیاز به رویکردی تقاطعی در تحلیل شهر و نقش زنان در آن اشاره می‌کند و بر اهمیت دیدگاه‌های فمینیستی در طراحی شهری تأکید می‌کند. کتاب کرن بر ارتباطات بین مختلف محورهای تبعیض مربوط به جنسیت، نژاد، تمایلات جنسی، معلولیت و موارد دیگر تأکید دارد و تلاش می‌کند تا این روابط پیچیده را در تحلیل‌های شهری فمینیستی مورد بررسی قرار دهد (Kern, 2021).

## نظریه‌ی حق به شهر

هانری لوفور با طرح مفهوم حق به شهر رویکردی نو و رادیکال نسبت به شهر مطرح نمود و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را به چالش کشید. از نظر لوفور شهرهای امروزی منعکس‌کننده‌ی روابط سرمایه‌داری و نظام قدرت‌اند. و فضاهای شهری به خاطر ارزش‌های مبادله‌ای‌شان اهمیت می‌یابند. حق به شهر از دیدگاهی به تغییرات شهری منجر می‌شود که ماهیت شهروند و شهروند بودن را به عنوان چالشی مهم پیشروی شهرها قرار داده و شهر را مهم‌ترین لایه‌ی تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری معرفی می‌کند. مفهوم حق به شهر مطرح شده توسط لوفور مفاهیمی چون عمومی بودن، تنوع و رقابت بر سر فضا را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد که برای لوفور، نه خانه بلکه شهر است که ایجادکننده وجود و خودآگاهی شمرده می‌شود. در حق به شهر، لوفور این مسئله را مطرح می‌کند که پراکسیس شهری نیازمند همزمانی و هم‌مکانی است که در آن جریان روابط هر روزی زندگی و تعاملات اجتماعی ممکن می‌شود. طراحان شهری نمی‌توانند پراکسیس را طراحی کنند اما می‌توانند فضای مناسب آن را ایجاد کنند و راه را برای انجام آن فراهم کنند (Fathi Sorkhni, 2019).

همچنین "هاروی" به بررسی چگونگی قرار دادن شهر در مرکز مبارزات سرمایه و طبقه می‌پردازد. هاروی از مکان‌هایی مانند ژوهانسبورگ، بمبئی، نیویورک و سائو پائولو مثال می‌زند و به بررسی این می‌پردازد که چگونه شهرها می‌توانند به شکل اجتماعی عادلانه‌تر و از لحاظ محیط‌زیستی سالم‌تر بازسازی شوند. او با استفاده از رویدادهایی مانند کمون پاریس، جنبش اشغال وال استریت و شورش‌های لندن، می‌پرسد که آیا دسترسی به منابع شهری توسط تأمین‌کنندگان مالی و توسعه‌دهندگان کنترل می‌شود یا توسط مردم؟ و چه کسی کیفیت و سازمان‌دهی زندگی روزمره را تعیین می‌کند؟ هاروی معتقد است که شهرها مراکز انباشت سرمایه و همچنین سیاست‌های انقلابی هستند که در آن‌ها جریان‌های عمیق‌تری از تغییرات اجتماعی و سیاسی به سطح می‌آیند. او استدلال می‌کند که شهرها می‌توانند به کانون مقاومت ضدسرمایه‌داری تبدیل شوند و پیشنهاد می‌دهد که چگونه شهرها ممکن است به شکل عادلانه‌تر و پایدارتر سازمان‌دهی شوند (Harvey, 2013).

## جغرافیای ترس زنان بر پایه نظریه پدرسالاری

جغرافیای ترس زنان بر پایه نظریه پدرسالاری برجسته شده است. در این مقاله، والنیتین (۱۹۸۹) به بررسی رابطه بین ترس زنان از خشونت مردانه و استفاده آنها از فضاهای عمومی پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کند که استفاده محدود زنان از فضاهای عمومی، بیان فضایی از پدرسالاری است. وی بیان می‌کند که ترس زنان از خشونت مردانه باعث می‌شود آن‌ها از حضور در مکان‌های عمومی در زمان‌های خاصی خودداری کنند. این ترس و استراتژی‌های دفاعی ناشی از آن، منجر به محدود شدن استفاده زنان از فضای عمومی می‌شود. نویسنده همچنین اشاره می‌کند که جامعه به طور ضمنی زنان را به خاطر قرار گرفتن در موقعیت‌های خطرناک سرزنش می‌کند که این امر به زنان احساس مسئولیت برای ایمنی خود می‌دهد و آن‌ها را به اجتناب از مکان‌های عمومی خاصی سوق می‌دهد.

مطالعات ایشان نشان می‌دهد که زنان نقشه‌های ذهنی از مکان‌هایی که از حمله می‌ترسند را براساس تجربیات گذشته و اطلاعات ثانویه توسعه می‌دهند. این نقشه‌های ذهنی به زنان کمک می‌کند تا از مکان‌های خطرناک اجتناب کنند. اما این ترس‌ها و تجربیات منفی به‌طور عمده بر رفتارهای روزمره زنان تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که آن‌ها به‌طور مداوم استراتژی‌های مقابله‌ای برای پرهیز از خشونت مردانه اتخاذ کنند. در نتیجه، مقاله والتین به این نتیجه می‌رسد که استفاده محدود زنان از فضاهای عمومی، بیان فضایی از پدرسالاری است که نشان‌دهنده نابرابری‌های جنسیتی در جامعه است (Valentine, 1989).

## ناامنی و ترس از محیط‌های عمومی

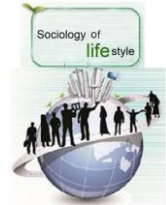
پین (۱۹۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان فضا، خشونت جنسی و کنترل اجتماعی: تلفیق تحلیل‌های جغرافیایی و فمینیستی از ترس زنان از جرم، به بررسی رابطه بین خشونت جنسی، کنترل اجتماعی و ترس زنان از جرم با رویکردهای جغرافیایی و فمینیستی می‌پردازد. مقاله با تأکید بر اینکه تجربه ترس از جرم در زنان به‌طور قابل توجهی با مردان متفاوت است، تحلیل می‌کند که چگونه زنان به خاطر ترس از خشونت جنسی، از استفاده از فضاهای عمومی خودداری می‌کنند. این ترس باعث محدودیت در فرصت‌ها، رفتارها، ادراکات فضایی و حرکات روزمره زنان می‌شود. براساس این مقاله، خشونت جنسی عمدتاً در فضای خصوصی رخ می‌دهد، اما زنان بیشتر از آن در فضای عمومی می‌ترسند. این تناقض نیاز به بررسی‌های بیشتری در زمینه‌های جغرافیایی و اجتماعی دارد. مقاله با استفاده از نظریه کنترل اجتماعی، به بررسی چگونگی تأثیر این ترس بر رفتار زنان می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که برای توضیح ترس زنان باید به عوامل اجتماعی به جای عوامل محیطی توجه شود (Pain, 1991).

## خشونت روزمره

اسنکو در کتاب خود با عنوان خشونت روزمره: چگونگی تجربه خطرات جنسی و فیزیکی توسط زنان و مردان (۱۹۹۶) به بررسی چگونگی مواجهه مردم عادی با خطرات جنسی و فیزیکی در زندگی روزمره می‌پردازد. الیزابت استنکو با زنان و مردان در بریتانیا و ایالات متحده، از گروه‌های مختلف سنی و زمینه‌های متنوع، صحبت کرده است. آن‌ها تجربیات، ترس‌ها از خطرات شخصی - از همسایگان، غریبه‌ها و افرادی که با آن‌ها زندگی می‌کنند - و اقدامات احتیاطی که برای محافظت از خود انجام می‌دهند را با او به اشتراک می‌گذارند. بیشتر ما به صورت آگاهانه و ناخودآگاه راه‌هایی برای مدیریت خشونت و مذاکره با خطرات یاد گرفته‌ایم. اینکه چگونه از کودکی تا پیری این کار را انجام می‌دهیم، چگونه پلیس استراتژی‌گذاری و عمل می‌کند، چگونه زنان و مردان خشونت را تجربه می‌کنند. همه این‌ها توسط الیزابت استنکو در این تحقیق از معنای واقعی امنیت شخصی پوشش داده شده است (Stanko, 1996).

## اطمینان فضایی زنان و ترس از خشونت

کوسلا (۱۹۹۷) در مقاله خود با عنوان گام‌های جسورانه و شکست‌ها: اعتماد فضایی زنان در مقابل ترس از خشونت نشان می‌دهد که نخست، این مقاله نشان می‌دهد که زنان نباید همیشه ترسیده باشند. جسارت با آزادی، برابری و حس کنترل و مالکیت بر فضا مرتبط است. دوم، مقاله بررسی می‌کند که چگونه و چرا ترس از خشونت باعث تضعیف اعتماد به نفس برخی از زنان می‌شود و دسترسی و فعالیت آن‌ها را در فضای عمومی محدود می‌کند. ترس از خشونت به عنوان یک شاخص حساس از روابط قدرت جنسیتی و پیچیده‌ای که جامعه و فضا را تشکیل می‌دهند، مطرح شده است. ترس زنان به‌طور کلی به عنوان "طبیعی" تلقی می‌شود و جسارت آن‌ها به عنوان امری پرخطر



تلقى می‌شود: این دیدگاه به‌طور غیرمستقیم تصور زنان به عنوان قربانیان را بازتولید می‌کند. با این حال، یک دیدگاه انتقادی‌تر ممکن است ترس را به عنوان ساختار اجتماعی تلقی کند و ببیند که چگونه می‌توان زنان را مطمئن و توانمند کرد تا مالکیت فضا را در دست بگیرند. این اطمینان با آزادی، برابری و احساس کنترل بر فضاها مرتبط است. ترس از خشونت می‌تواند از اعتماد به نفس زنان بکاهد و محدودیت‌هایی بر روی دسترسی آن‌ها به فضاهای عمومی و فعالیت‌های در آن‌ها ایجاد کند. تجربه‌های تهدیدی مانند تجربه‌های خشونت و تهدید در فضاهای عمومی، و تغییرات زندگی نظیر بیماری‌های ناگهانی، انتقالات بزرگ یا بارداری نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. کوسکلا به این نکته اشاره می‌کند که ترس از خشونت معمولاً به عنوان یک واقعیت "طبیعی" تلقی می‌شود و احساس ترس از زنان به عنوان یک مسئله اجتماعی ساخته شده تلقی می‌شود. او ادامه می‌دهد که احساس اطمینان و اعتماد به نفس در زنان ممکن است با تجربه‌های مختلفی افزایش یابد، از جمله تحلیل موقعیت، تغییرات فرهنگی و استفاده از فضاها (Koskela, 1997).

## پیشینه تحقیق

نقدی و دارابی (۱۳۹۳) پژوهشی را تحت عنوان "دسترسی زنان به فضاهای شهری" در میان زنان شهر ایلام با روش کیفی و با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از ۱۵ زن به رشته تحریر درآورده‌اند. نتایج حاصل از متن مصاحبه‌ها حاکی از آن بود که از نظر زنان مسئله امنیت، طراحی کالبدی و رویت‌پذیری از عوامل محدود کننده حضور آنان در شهر می‌باشد. بهشتی اصل و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی را با موضوع "سنجش کیفیت فضاهای شهری با رویکرد عدالت جنسیتی در کلانشهرها" در میان زنان مناطق مختلف شهر تبریز با روش کمی به رشته تحریر درآوردند. نتایج تحقیق نشان داده بود که مناطق ۴ و ۱ که جزو مناطق با کیفیت زندگی بهتر تبریز می‌باشند از نظر رضایت زنان از فضاهای شهری در رتبه‌های نخست قرار گرفته‌اند و مناطق ۹ و ۵ که بیشترین اسکان‌های غیررسمی و حاشیه‌نشین را دارند، در رتبه‌های آخر قرار دارند و وضعیت مناسبی را به لحاظ شاخص‌های کیفیت فضاهای شهری و رضایت زنان ندارند. شکوه‌فر و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان "واکوی چالش تفاوت‌های جنسیتی و حق بر شهر" به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای توأم با طبقه‌بندی در شهر قزوین و با حجم نمونه ۳۹۰ نفر از هر دو جنسیت انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که جنسیت تأثیر قابل توجهی در ادراک شهروندان از حق بهره‌مندی از فضای شهری دارد. به طور خاص، مردان ۲۷ درصد بیشتر از زنان احساس بهره‌مندی از حق بر شهر را داشتند. همچنین، در میان ابعاد مختلف بررسی شده، بعد آسودگی فیزیکی بیشترین تفاوت را در میزان رضایت‌مندی میان مردان و زنان نشان داد. این امر نشان می‌دهد که فضاهای شهری قزوین به اندازه مردان، احساس امنیت و آسودگی را برای زنان فراهم نمی‌کند. مادج<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "پارک‌های عمومی و جغرافیای ترس" به بررسی تأثیر ترس از جرم و بی‌امنی بر استفاده از پارک‌ها و فعالیت‌های خارج از خانه می‌پردازد. وی مطرح می‌کند که ترس از جرم به عنوان یک محدودیت شخصی می‌تواند باعث شود که افراد از استفاده از پارک‌ها و فعالیت‌های خارج از خانه خودداری کنند. تحلیل جغرافیایی و استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای بررسی الگوهای جرم و ترکیبات اجتماعی و جغرافیایی مرتبط با جرم از نکات مورد توجه مقاله است. همچنین این محقق به استراتژی‌های مدیریت جرم مانند افزایش پاترول‌های پلیس، نصب دوربین‌ها و بهبود روشنایی در مناطق بالاتر از خطر می‌پردازد.

<sup>3</sup> Madge

باست<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) مطالعه‌ای را با عنوان " نقش عدالت فضایی در بازسازی فضاهای شهری " در شهر گرونینگن هلند انجام داده بود. تمرکز این مطالعه به نقش عدالت فضایی در بازسازی فضاهای شهری و استفاده از سیاست‌های فضایی بوده است. نتایج تحقیق نشان داده بود که در صورت دستیابی به کیفیت فضایی بالا، عدالت فضایی نیز قابل دستیابی می‌باشد.

لکامپت و پابلو<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با موضوع "سیستم‌های حمل و نقل و تأثیر آنها بر برابری جنسیتی" تمرکز بر این داشتند که چگونه نابرابری‌های جنسیتی و اجتماعی-اقتصادی ممکن است با تفاوت در دسترسی به حمل و نقل تشدید شود. در این راستا نتایج نشان داده بود که زنان بیشتر از مردان برای حمل و نقل هزینه پرداخت می‌کنند. همچنین در مناطق غیرمرفه و حاشیه‌نشین نسبت به مناطق مرفه‌نشین شهرهای مورد بررسی، تبعیض‌های جنسیتی بیشتری اتفاق می‌افتد.

افه‌گونی<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۲۲) مطالعه‌ای را با موضوع "ارزیابی معیارهای فضاهای سبز در رابطه با مفهوم شهر دوستدار زن" در شهر چیلگی کشور ترکیه با رشته تحریر درآورده بودند. در این مطالعه فضاهای سبز بر اساس سه معیار؛ دسترسی، ایمنی و قابلیت استفاده تحلیل شده بود. یافته‌ها نشان داد که هیچ پارکی خصوصاً پارک‌های پرزدحام این معیارها را ندارد و احداث فضاهای سبز برای ایجاد مکان امن برای زنان ناکافی است و وجود فضای سبز به معنای قابل استفاده بودن آن نیست.

یاداو و کوماری<sup>۷</sup> (۲۰۲۴) مقاله‌ای را تحت عنوان "دیدگاه امنیت جنسیتی در برنامه ریزی شهری: مورد مطالعه عابران پیاده در شهر کانپور" در کشور هند و با انجام بحث‌های گروهی متمرکز در بین ۲۳ شرکت‌کننده و نظرسنجی در میان ۴۲۳ شرکت‌کننده انجام شده بود. نتایج این تحقیق نشان داد که سه مفهوم مهم بر اساس درک امنیت جنسیتی شناسایی شدند؛ دسترسی بیشتر به روشنایی در پیاده‌روها، کمبود روشنایی در زیرگذرها و عدم وجود مبلمان خیابانی مناسب در ایستگاه‌های اتوبوس.

علیزاده و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیقی که با عنوان "سهم فضای عمومی شهری در تعاملات اجتماعی و توانمندسازی زنان" و روش پیمایش در منطقه کردستان خاورمیانه انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که، رابطه مثبت و قوی بین تعاملات زنان در فضاهای عمومی و توانمندسازی آنها وجود دارد. نتایج همچنین حاکی از آن بود که تغییرات اجتماعی-سیاسی و اجتماعی-فضایی به کاهش اهمیت فضاهای ملاقات سنتی و اوقات فراغت کمک کرده است، اما استفاده از مراکز خرید را به عنوان فضاهای کالایی به ویژه در سلیمانی افزایش داده است.

هی‌سفر و فن<sup>۸</sup> (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان "خانواده‌های دوپاره شده شهری-شهری در چین: جنسیت، مهاجرت، و زنان عقب‌مانده" در چین به بررسی تجربیات مهاجران شهری-شهری در چین پرداخته بودند. این مطالعه برگرفته از ۳۰ مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با خانواده‌های مهاجر انجام شده بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های دوپاره شده، تنش بین مردسالاری ریشه‌دار کنفوسیوس و آرزوهای زنان برای خودمختاری را آشکار می‌کنند. و زنان در خانواده‌های دوپاره شده شهری-شهری از عاملیت و توانمندسازی در چارچوب جنسیتی موجود استفاده می‌کنند. این تحقیق بر پویایی جنسیتی در حال تکامل در چین تأکید کرده است، که بین مردسالاری ریشه‌دار و فضاهای نوظهور برای شیوه‌های جنسیتی جایگزین قرار دارد.

عسکری‌زاد و همکاران (۲۰۲۵) پژوهشی را با عنوان "نابرابری جنسیتی در فضاهای عمومی ایران: طراحی برای شهرهای فراگیرتر" انجام داده بودند. این مطالعه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق مصاحبه با ۴۸ شرکت‌کننده و مطالعات مشاهده‌ای

<sup>4</sup> Bassett

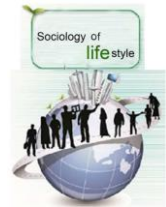
<sup>5</sup> Lecompte & Pablo

<sup>6</sup> Efe Güney

<sup>7</sup> Yadav & Kumari

<sup>8</sup> He-Schaefer & Fan





## مقاله پژوهشی

در اصفهان، تأکید کرده بود که اصول طراحی شهری فراگیر به‌طور گسترده‌ای با کشورهای مختلف با اکثریت مسلمان و مناطقی که با نابرابری‌های جنسیتی مواجه هستند، سازگار است. علاوه بر این، توصیه‌های سیاستی، از بهبود روشنایی شهری تا ارتقای تغییرات فرهنگی، می‌تواند نقطه عطفی برای شهرهای جهانی باشد که در تلاش برای برآورده کردن SDG 5 در مورد برابری جنسیتی هستند.

پرادان و دی<sup>۹</sup> (۲۰۲۵) در تحقیقی که با عنوان "نقش و نگرش جنسیتی مردان نسبت به استقلال جنسی زنان در هند" و با استفاده از ۱۰۱۸۳۹ مرد ۱۵ تا ۵۴ ساله و با روش کمی انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که ۶۳ درصد از مردان نگرش مطلوبی نسبت به استقلال جنسی زنان دارند. همچنین حمایت مردان از استقلال جنسی زنان با دیدگاه‌های برابری‌خواهانه آنها در مورد تصمیم‌گیری خانواده، سطح تحصیلات عالی، وضعیت تاهل و رسانه‌ها همبستگی مثبت دارد.

## روش‌شناسی

در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع و ماهیت تحقیق از روش کیفی و شیوه‌ی تحلیل مضمون استفاده شده است. این روش به‌ویژه برای شناسایی و تفصیل الگوها و مفاهیم اصلی در داده‌های کیفی مناسب است. در این تحقیق، هدف، فراتر رفتن از توصیف ساده و استخراج مضامین اصلی از تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان است. در این تحقیق، تلاش شده است تا با شناسایی و تحلیل مضامین مشترک در میان پاسخ‌ها و تجربیات افرادی که فرآیند مورد نظر را تجربه کرده‌اند، مفاهیم کلیدی و ساختارهای معنایی استخراج شوند. تحلیل مضمون، به‌طور خاص به دنبال ارائه یک چارچوب تحلیلی از فرآیندها، اقدامات یا تعاملات مختلف است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تبیین بیشتر شیوه‌های عمل و همچنین به‌عنوان مبنای مناسبی برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. برخلاف روش‌های نظریه‌پردازی انتزاعی، تحلیل مضمون در این تحقیق به‌طور مستقیم بر داده‌های واقعی و تجربیات مشارکت‌کنندگان مبتنی است و سعی دارد که معنای عمیق‌تری از واقعیت‌ها و تجربیات آنها به‌دست آورد.

در این تحقیق روش نمونه‌گیری، هدف‌مند<sup>۱۰</sup> و نظری<sup>۱۱</sup> است. هدف‌مند بدین معنا که بتواند حسب موضوع و مسئله و موقعیت تحقیق، گروه‌های هدف اطلاع‌رسان را تعریف بکند. نظری بودن نمونه نیز به این معنی که کفایت لازم را برای این که ما را به سطح انتزاع نظری برساند، دارا باشد (Farastkhah, 2016). این مطالعه نیز با نمونه‌گیری هدفمند شروع و بر اساس نمونه‌گیری نظری تا اشباع داده‌ها ادامه یافته است. که پس از مصاحبه با ۹۲ نفر زنان شهر تبریز از مناطق مختلف، اساتید متخصص در امر جامعه‌شناسی خانواده، روانشناسی زنان و در مجموع طیف‌های متنوع زنان با لحاظ تکنیک اشباع داده‌ای حاصل شد.

در این پژوهش، داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق گردآوری شد. برای جلب همکاری افراد، اهداف و ارزش پژوهش توضیح داده شد و با رعایت اصول اخلاقی و کسب اجازه، مصاحبه‌ها ضبط گردید. تحلیل داده‌ها به روش استراس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. در کدگذاری باز، مفاهیم اصلی استخراج و در قالب کدها ثبت گردید. سپس، کدهای مشابه گروه‌بندی شدند. در کدگذاری محوری، کدهای اولیه مقایسه و ترکیب شده و حول محوری مشترک سامان یافتند. در نهایت، کدگذاری گزینشی برای شناسایی متغیر اصلی صورت گرفت.

<sup>9</sup> Pradhan & De

<sup>10</sup> Purpsive Sample

<sup>11</sup> Theoretical Sample

به منظور احراز اعتبارپذیری تحقیق از تکنیک‌های زیر استفاده گردید:

۱. تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی<sup>۱۲</sup>: در این روش، تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به متخصصان امر ارائه می‌شود تا به غنای قابلیت اعتبار پژوهش افزوده شود.
۲. تکنیک‌های کنترل اعضا: در این روش، تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به پاسخگویان ارائه می‌گردد تا از واکنش‌های آنان در مرحله‌ی گزارش نوشته‌ها آگاهی حاصل آید.
۳. خودبازبینی محقق<sup>۱۳</sup> در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌های دیگر از روش‌هایی است که در این پژوهش، جهت افزایش قابلیت اعتبار پژوهش استفاده شد (Abbaszadeh, 2012). برای رسیدن به پایایی کاربرد دو راهکار زیر استفاده شد:

۱. استفاده از فرایندهای ساخت یافته از مصاحبه‌های همگرا.
۲. سازماندهی فرایندهای ساخت یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها.

## یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی ۹۲ خانم شرکت‌کننده نشان می‌دهد که ۶۰ نفر از آن‌ها دارای همسر و ۳۲ نفر نیز بدون همسر هستند. بازه سنی این افراد از ۱۴ تا ۶۱ سال متغیر است. از نظر طبقه اقتصادی، بیشتر خانم‌ها در گروه‌های «متوسط» و «متوسط رو به پایین» قرار دارند. در خصوص وضعیت اشتغال، اکثر خانم‌های مشارکت‌کننده در تحقیق، خانه‌دار هستند، با این حال تعدادی نیز در مشاغل مختلف، به‌ویژه در بخش‌های آموزشی و خدماتی، شاغل می‌باشند.

### «بدن زنانه؛ زمینه ساز هراس‌های زنانه»

بر پایه نظرات مصاحبه‌شوندگان، مکان‌هایی مانند معابر تاریک و فاقد نور کافی، مکان‌های خلوت، ورزش صبح‌گاهی در پارک‌ها، پل‌های هوایی و هم‌چنین وسایل نقلیه شخصی و در برخی مواقع وسایل نقلیه عمومی با افزایش ناامنی منجر می‌شود بویژه در ساعات پایانی شب برای زنان این مکان‌ها و وسایل نقلیه ترس‌آور است که این ترس منجر به محدودیت در تردد و رفت و آمدهای شهری زنان می‌گردد.

با توجه به این مباحث از مطالب مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌توان گفت که بدن زنانه در واقع یکی از عوامل مهم ایجاد ترس و محدودیت است ترس از تعرض و تجاوز، زنان را از فضاهای شهری دور نگه می‌دارد. تجربه احساس ناامنی و ترس از تجاوز و مورد تهاجم واقع شدن یکی از جدی‌ترین مسائل زنان در فضای شهر تبریز است. در واقع زنان احساس می‌کنند در حاله‌ای از ناامنی زندگی می‌کنند و نسبت به موقعیت کنونی خود در شهر احساس ترس و ناامنی دارند و بنوعی احساس ناامنی بدتر از فقدان ناامنی را تجربه می‌کنند. در این راستا سه زیرمقوله اصلی شناسایی شد؛ ۱- «بدنه زنانه و احساس ترس و ناامنی در استفاده از وسایل نقلیه شخصی یا حتی عمومی»، ۲- «بدن زنانه و احساس ترس و ناامنی در مکان‌های عمومی» و ۳- «بدن زنانه و آبرو گروگان حیات اجتماعی» استخراج گردید.

## بدن زنانه و ترس و ناامنی در استفاده از وسایل نقلیه شخصی و عمومی

طراحی فضاهای عمومی می‌تواند نقش تأثیرگذاری در احساس امنیت افراد جامعه، خصوصاً زنان، ایفا کند. این مسئله در نظریه «فضاهای بی‌دفاع»<sup>۱۴</sup> که توسط اسکار نیومن<sup>۱۵</sup> (۱۹۷۲) مطرح شد، توضیح داده شده است. وی بیان می‌کند که فضاهای عمومی که از طراحی مناسبی برخوردار نیستند، به‌ویژه فضاهایی که نظارت اجتماعی و فیزیکی نامناسب دارند، شرایط برای انجام جرم و جنایت فراهم می‌شود. محیط‌های ضعیف که در آن‌ها نقاط کور زیادی وجود دارد، یا فضاهایی که دسترسی به آن‌ها محدود است، فرصتی برای وقوع جرم و فراهم می‌کند. این طراحی‌ها به‌ویژه در فضاهای عمومی، مانند ایستگاه‌های حمل‌ونقل مثل اتوبوس و مترو محیط‌های نامناسبی می‌شوند که در آن‌ها زنان بیشتر از هر گروه دیگری احساس ناامنی می‌کنند. همین‌طور، نبود نظارت‌های اجتماعی، مانند حضور نیروهای انتظامی یا دوربین‌های نظارتی، بر افزایش هراس و احساس ناامنی زنان افزوده و احساس شکنندگی در این فضاها را تقویت می‌کند. این امر به‌ویژه برای زنان که بیشتر در معرض خطر آزارهای فیزیکی و کلامی قرار دارند، نگران‌کننده‌تر است. لذا با بهبود طراحی این فضاها، از جمله افزایش روشنایی و استقرار نیروهای انتظامی، می‌توان احساس امنیت را در میان زنان ارتقا داد. این امر نه تنها باعث کاهش نگرانی‌های زنان از وقوع جرم در حمل‌ونقل عمومی می‌شود، بلکه می‌تواند به مشارکت فعال‌تر آنان در استفاده از حمل‌ونقل عمومی کمک کند و در نتیجه به افزایش حضور زنان در فضاهای عمومی منجر شود (شکریگی و رادین، ۱۳۹۵).

در ارتباط با زیرمقوله "بدن زنانه و ترس و ناامنی در استفاده از وسایل نقلیه شخصی و عمومی" خانم متأهل ۴۷ ساله‌ای که از طبقه اقتصادی متوسط رو به پایین است، در ارتباط با احساس ناامنی در استفاده از وسایل حمل و نقل شخصی عنوان می‌کند که:

«خانم‌ها متأسفانه نمی‌توانند سوار ماشین شخصی شوند. چون امنیت وجود ندارد. چون می‌ترسند که یکی بگیرد ببرد. برای این که من احتیاط می‌کنم سوار اتوبوس می‌شوم. اگر عجله داشته باشم با اسنپ و تاکسی تلفنی جایی می‌روم که آن هم گران است. مجبور است که سوار خط واحد شود در در در در. اتوبوس هم به صرفه است و هم امنیت دارد.»  
دختر مجرد ۱۴ ساله از طبقه اقتصادی متوسط نیز در این خصوص احساس ناامنی و ترس در وسایل نقلیه عمومی عنوان می‌کند که:

«در تاکسی مثلاً باید مثل پرنسس‌ها بنشینند. جمع و جور باشند. یعنی چه یک مرد همه جا را اشغال می‌کند ۱۸۰ درجه پاهایش را باز می‌کند. خانم‌ها له می‌شوند جمع بنشینند می‌گویند این خانم خوب است»  
خانم ۵۸ ساله متأهل با طبقه اقتصادی متوسط هم می‌گوید:

«خانم‌ها الان می‌توانند سوار ماشین شوند بگویند مرا در بستر بیر فلان جای شهر؟ من خانم من می‌دانم. به خاطر پول نیست. می‌ترسند. چرا باید خانم بترسد که مثلاً نتواند درست بگیرد؟ من خودم بیشتر سوار تاکسی می‌شوم که رنگش زرد است مشخص است. من جوان نیستم آن‌طور ولی بالاخره آدم اوشونور»  
و یا خانم ۳۴ ساله مجرد با طبقه اقتصادی مرفه عنوان می‌کند که:

«در مترو حق خانم‌ها این است که راحت باشند چشم دنبالشان نباشد. مترو وقتی شلوغ می‌شود زمان‌های عصر، زن‌ها راحت نیستند. خوب است که واگن‌های مخصوص بانوان وجود دارد ولی اگر خانمی با خانواده بخواهد سوار شود خیلی راحت نیست»

## بدن زنانه و احساس ترس و ناامنی در اماکن و فضاهای عمومی

در نظریه جامعه‌شناسی فضا، فضاهای عمومی به هیچ‌وجه بی‌طرف و خالی از معنای اجتماعی نیستند و هرگونه طراحی و استفاده از آن‌ها تحت تأثیر ساختارهای قدرت قرار دارد. براساس این نظریه، فضاهای عمومی به‌ویژه برای زنان به‌عنوان بدن‌های اجتماعی، موقعیت‌هایی برای تجربه نظارت و کنترل هستند. بسیاری از فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها و پارک‌ها معمولاً با طراحی‌هایی که بیشتر مناسب مردان هستند، به‌گونه‌ای ایجاد می‌شوند که برای زنان به‌ویژه در ساعات خاص احساس ناامنی ایجاد می‌کنند. این طراحی‌ها احساس تهدید و ترس را در بدن زنانه تقویت می‌کنند، زیرا که در بسیاری از این فضاها، نظارت کافی و کنترل وجود ندارد.

در این راستا فوکو بر این باور است که فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌هایی برای اعمال قدرت و کنترل ایجاد شده‌اند. در فضاهای عمومی بدن‌های زنانه تحت نظارت قرار دارند. بدن زنانه نه‌تنها به‌طور فیزیکی مورد تهدید قرار می‌گیرد بلکه به‌طور اجتماعی نیز تحت نظارت قرار می‌گیرند. این نظارت اجتماعی بصورت دیده‌بان مشرف به صحنه، ممکن است حتی از سوی خود زن ایجاد شود، زیرا که زنان همواره باید به‌طور ناخودآگاه از خود مراقبت کنند و مراقب نحوه رفتار، کردار و حضور خودشان در فضاهای عمومی باشند. که این نظارت و کنترل نیز باعث می‌شود به تجربه ترس و ناامنی در بدن زنانه منجر شود. حتی اگر تهدید فیزیکی به‌طور مشخص وجود نداشته باشد، این احساس از «کنترل شدن» موجب می‌شود که زنان احساس کنند در فضاهای عمومی جایی برای آنها وجود ندارد. بنابراین، احساس ناامنی و ترس زنان در فضاهای عمومی می‌تواند تقویت شود و به‌صورت یک «حافظه اجتماعی نامناسب» در ناخودآگاه و بدن زنانه باقی بماند. این تجربه‌های نامناسب اجتماعی و فرهنگی، موجب می‌گردد نه‌تنها محدودیت‌های فیزیکی ایجاد می‌کند، بلکه حس تعلق اجتماعی و حق استفاده از فضاهای را از آنان سلب می‌کند. به همین دلیل، فضاهای عمومی که به‌طور مناسب طراحی نشده‌اند و یا نظارت و کنترل کافی در آن‌ها وجود ندارد، می‌تواند موجب تقویت احساس ناامنی و ترس در زنان شود (Ghaderzade & Khazaie, 2014).

در ارتباط با زیرمقوله "بدن زنانه و احساس ترس و ناامنی در اماکن و فضاهای عمومی" هم خانم ۲۰ ساله‌ای که دانشجوی هست و در چهارراه طالقانی ساکن است هم عنوان می‌کند که:

«ورزش صبحگاهی زنان را کار جلف می‌دانند- وقتی به ورزش می‌روم می‌گویند اون می‌خواهد جلب توجه کند و وقتی سر صبحی می‌خواهم به ورزش برم مادرم می‌گه نرو امنیت نداری»

یا خانم ۲۲ ساله مجرد با طبقه اقتصادی متوسط هم می‌گوید:

«جاهای خاصی از تبریز اکی است ولی جاهایی است که نمی‌توان شب به آن جا رفت. امنیت ندارد خانمی اگر شب

بخواهد به مناطقی از تبریز برود. بعضی جاها اصلاً سوپرمارکت و مغازه ندارند خلوت هستند خانم نمی‌تواند برود بیاید»

و یا خانم ۲۲ ساله متأهلی که پلیس هم هست عنوان می‌کند که:

«چون خودم پلیسم آنطور که در مأموریت‌ها متوجه شدم بیشتر در مناطق کم برخورد و حاشیه نشین زنان احساس

ناامنی می‌کنند و طبیعی هست که احساس راحتی نکنن و از لحاظ خدمات شهری هم در مضیقه هستند»

و هم چنین خانم متأهل ۵۳ ساله‌ای که در منطقه رضانژاد ساکن است می‌گوید:  
«در حالت کلی زندگی در شهر تبریز خصوصاً شب‌ها برای خانمها امن نیست از ساعت معینی به بعد نمی‌شود به تنهایی تردد کرد».

## بدن زنانه و آبرو گروگان حیات اجتماعی

در جوامعی که آبرو و حیثیت نقش مهمی در هویت اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند، بدن زنانه به‌عنوان نمادی از شرافت و ارزش فرهنگی محسوب می‌شود. این نوع نگرش باعث می‌شود بدن زنانه نه فقط یک موجودیت فردی، بلکه به‌عنوان یک دارایی جمعی محسوب گردد که باید طبق هنجارهای اجتماعی کنترل شود. در نظریه‌های جامعه‌شناسی مانند نظریه نظم جنسیتی و نظریه سرمایه‌های نمادین، بدن زنانه به‌عنوان بخشی از نظم اجتماعی مردسالار عمل می‌کند که از طریق نظارت بر پوشش، رفتار، کردار و تعاملات اجتماعی، به حفظ و بازتولید هنجارهای اجتماعی می‌پردازد. در چنین جوامعی، رفتار زنان به‌عنوان معیاری مهم و اساسی برای ارزیابی حیثیت خانواده و جامعه محسوب می‌گردد. تخطی از این نوع هنجارها، مانند انتخاب پوشش و حجاب خلاف عرف یا حضور در فضاهای نامتعارف، می‌تواند پیامدهای غیرقابل برگشتی داشته باشد که فراتر از افراد بوده و بر حیثیت اجتماعی خانواده و در نهایت کل جامعه اثر بگذارد. در جامعه ما این موضوع از طریق مفهوم «ناموس» به‌شکل پررنگی مصداق پیدا می‌کند. این مفهوم نه تنها به خانواده مربوط می‌شود، بلکه حامل بار نمادین حیثیت خانوادگی نیز است. جامعه‌شناسان بر این نکته تأکید دارند که این مفهوم، بدن زنانه را به عرصه‌ای برای بازتولید قدرت و کنترل و نظارت اجتماعی تبدیل می‌کند. به همین دلیل، زنان در شرایط اجتماعی و فرهنگی تحت فشارهای مضاعفی قرار می‌گیرند تا رفتار خود را با هنجارهای جامعه هماهنگ کنند. این فشارها به نحوی است که زنان حتی در انتخاب مسیرها یا حضور در فضاهای عمومی نیز احساس نظارت و کنترل می‌کنند. مثلاً، حضور در فضاهایی که از دید جامعه «نامن» تلقی می‌گردد، موجب قضاوت‌های اجتماعی و اتهاماتی علیه زنان می‌شود. این مساله بیانگر این نکته است که بدن زنانه به‌عنوان یک حامل نمادین آبرو و حیثیت اجتماعی، در گروگان فرهنگ و هنجارهای اجتماعی قرار می‌گیرد (Abazari et al, 2008).

در ارتباط با زیرمقاله "بدن زنانه و آبرو گروگان حیات اجتماعی" خانم متأهل ۴۷ ساله‌ای که از طبقه اقتصادی متوسط رو به پایین است، عنوان می‌کند که:

« خانم شب نمی‌تواند سوار ماشین شخصی شود. از آبروی خودش می‌ترسد. اگر خانم را بدزدند آبروی من می‌رود با این که گناهی ندارد خانم فقط خانم را مقصر می‌دانند که فلانی را برده‌اند. چون از آبروی خودشان می‌ترسند خانم‌ها نمی‌گویند که مرا برده‌اند. اگر سرشان یک کاری آمد نمی‌توانند بگویند چون حمایت‌کننده‌ای نیست»

یا دختر مجرد ۲۰ ساله‌ای با طبقه اقتصادی متوسط رو به پایین تعریف می‌کند که :

« الان من و دوستانم دو بار بیشتر از اینجا رد بشویم می‌گویند اینها مثلاً با چه قصدی دارند رد می‌شوند. نمی‌گویند ممکن است اینها کار داشته باشند. می‌گویند آن‌ها که دو سه بار رد شده‌اند حتماً نظری به ما دارند..... من یک سری سوار ماشین شده بودم شب ساعت ۹ بود یک آقا کنار من نشسته بود. کارهای بدی می‌کرد ..... دستش را می‌آورد به من می‌زد. نوک انگشتش را به پای من می‌زد من گفتم آقای راننده اگر ممکن است آقا پیاده شوند یا من. من کرایه ایشان را هم می‌دهم. عوض

اینکه راننده طرف من را نگه دارد هیچ چیز نگفت آقا هم پرو شد گفت: من پیاده نمی شوم اگر تو مشکل داری پیاده شو. من هم پیاده شدم».

## بحث

در این مقاله، تلاش شد تا تصویری از سبک زیستی و ادراک بدن زنانه در فضاهای عمومی شهر تبریز ارائه شود. تحلیل مصاحبه‌های ۹۲ خانم در این تحقیق نشان داد که فضاهای شهری تبریز به‌طور خاص برای نیازها و ویژگی‌های زنان طراحی نشده‌اند. در این راستا، مقوله هسته‌ای پژوهش که «بدن زنانه؛ زمینه‌ساز هراس‌های زنانه» شناخته شد، به‌طور مرکزی در تحلیل قرار گرفت. این مقوله هسته‌ای شامل سه زیرمقوله است که بر تجربه زنان از فضاهای عمومی تأثیر می‌گذارد: اول، «بدن زنانه و احساس ترس و ناامنی در استفاده از وسایل نقلیه شخصی یا عمومی»، که نشان‌دهنده ترس‌های زنان از حمله یا آزار در فضاهای حمل‌ونقل عمومی و شخصی است؛ دوم، «بدن زنانه و احساس ترس و ناامنی در مکان‌های عمومی»، که به تجربه زنان در مواجهه با تهدیدهای احتمالی در فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها و پارک‌ها اشاره دارد؛ و سوم، «بدن زنانه و آبرو گروگان حیات اجتماعی»، که نشان‌دهنده احساس مسئولیت زنان در حفظ آبرو و امنیت اجتماعی خود در مواجهه با فضاهای عمومی است.

این نتایج همسو با مطالعات پیشین است که نشان می‌دهند فضاهای شهری تأثیر بیشتری بر زندگی روزمره زنان نسبت به مردان دارند، چرا که زنان زمان بیشتری را در فضاهای عمومی سپری کرده و روابط بیشتری با این محیط‌ها برقرار می‌کنند. بر اساس این پژوهش، زنان همچون مردان باید قادر باشند از فضاهای شهری به‌راحتی استفاده کرده و احساس امنیت و آرامش داشته باشند (Safari et al, 2021). با این حال، بر اساس مقوله هسته‌ای «بدن زنانه؛ زمینه‌ساز هراس‌های زنانه»، تسلط ساختارهای مردسالارانه بر فضاهای عمومی شهری، به‌ویژه در خیابان‌ها، حمل‌ونقل عمومی و پارک‌ها، موجب ایجاد حس ترس و ناامنی در زنان می‌شود و در نهایت منجر به طردشدگی آن‌ها از برخی فضاهای عمومی می‌گردد. این امر به‌طور مستقیم حق آزادانه از فضاهای شهری را از زنان سلب کرده و آن‌ها را از احساس تعلق به شهر محروم می‌سازد، که با مفهوم «حق به شهر جنسیتی‌شده» که بر اساس آن حق استفاده از فضاهای شهری باید معادل حق تعلق به آن فضا باشد، در تضاد قرار می‌گیرد.

در تایید یافته‌های این مقاله، مرور نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که فضاهای شهری به دلایل مختلف از ایجاد محیطی ایمن و برابر برای زنان ناتوان هستند. مقوله هسته‌ای «بدن زنانه؛ زمینه‌ساز هراس‌های زنانه» به‌خوبی چالش‌های زنان در استفاده از فضاهای عمومی را توضیح می‌دهد. این چالش‌ها شامل احساس ناامنی در وسایل نقلیه عمومی و شخصی، ناامنی در فضاهای عمومی مانند پارک‌ها و خیابان‌ها، و تهدید آبرو و حیثیت اجتماعی زنان در محیط‌های عمومی است. تحقیقات پیشین، از جمله پژوهش نقدی و دارابی (۱۳۹۳)، نشان داده‌اند که عوامل کالبدی مانند طراحی ضعیف فضاها و نبود روشنایی مناسب بر احساس امنیت زنان تأثیرگذار است. مطالعات دیگر، نظیر لکامپت و پابلو (۲۰۱۷) و یاداو و کوماری (۲۰۲۴)، نیز بر نقش تبعیض‌های جنسیتی در دسترسی به حمل‌ونقل و اهمیت روشنایی و میلمان شهری در افزایش امنیت زنان تأکید کرده‌اند که با نتایج این مقاله همخوان است. همچنین، پژوهش‌هایی مانند عسکری‌زاد و همکاران (۲۰۲۵) نشان داده‌اند که طراحی شهری فراگیر می‌تواند به کاهش نابرابری‌های جنسیتی در فضاهای عمومی کمک کند. از سوی دیگر، مطالعات شکوفه‌فر و همکاران (۱۴۰۱) و علیزاده و همکاران (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که این نابرابری‌ها مستقیماً بر توانمندسازی و تعامل اجتماعی زنان تأثیر می‌گذارد. به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و غیرمرفه، مشکلاتی مانند دسترسی محدود به فضاهای باکیفیت، احساس امنیت کمتر، و تبعیض‌های اجتماعی بیشتر دیده می‌شود.

همچنین در تبیین یافته‌های تحقیق با عنایت به نظریه‌های مطرح شده شهری و جنسیتی، می‌توان گفت که نظریه "حق به شهر" هانری لوفور تأکید می‌کند که همه شهروندان، از جمله زنان، حق دارند که در فضاهای عمومی شهری حضور فعال و بدون ترس داشته

باشند و از امکانات عمومی شهری بهره‌مند گردند. این حق نه تنها به دسترسی فیزیکی به فضاهای شهری اشاره دارد، بلکه بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و طراحی‌های شهری نیز تأکید می‌کند. این نظریه به‌ویژه در کلان‌شهرها مثل شهر تبریز، اهمیت زیادی دارد، چرا که بسیاری از فضاهای عمومی ممکن است به‌طور ناعادلانه برای زنان طراحی نشده باشند و این امر موجب محدودیت‌های زیادی در فعالیت و مشارکت آن‌ها در جامعه می‌شود. در این راستا، نظریه "فضای عمومی و جنسیت" لزی کرن نیز بر نرمال‌سازی مردانگی هژمونیک در طراحی فضاهای شهری پرداخته است و اشاره می‌کند که شهرها عمدتاً توسط مردان طراحی شده‌اند و این خود باعث ایجاد فضایی مردانه می‌شود که زنان در آن احساس بیگانگی و ناامنی می‌کنند. وی همچنین به مقاومت‌های روزمره زنان در فضاهای شهری می‌پردازد که به‌عنوان استراتژی‌های مقابله‌ای، از سوی زنان در برابر نابرابری‌های موجود شکل می‌گیرد. این مقاومت‌ها می‌تواند شامل انتخاب مسیرهای خاص یا اجتناب از رفت‌وآمد از مکان‌های پرخطر باشد که مانع از استفاده آزادانه زنان از فضاهای عمومی می‌شود. نظریه "جغرافیای ترس" والنتین نیز بر محدودیت‌هایی تأکید می‌کند که ترس از خشونت مردانه در تجربه زنان از فضاهای عمومی ایجاد می‌کند. ترس از آزار و اذیت، یا خشونت جسمی، زنان را از بسیاری از فضاهای عمومی شهری دور می‌کند و ذهنیت منفی از مکان‌های خطرناک را در آن‌ها ایجاد می‌کند. ذهنیت منفی نه تنها به‌طور مستقیم بر انتخاب مسیرهای روزمره زنان تأثیر می‌گذارد بلکه حس کنترل بر فضا را از آن‌ها می‌گیرد. در این شرایط، فضاهای عمومی به‌جای آنکه محلی برای تعامل اجتماعی باشد، به محیط‌هایی ترسناک و بسته تبدیل می‌شوند. همچنین نظریه "فضاهای بی‌دفاع" اسکار نیومن بر طراحی فضاهای شهری به‌مواردی تأکید دارد که بتواند از طریق نظارت اجتماعی مناسب، امنیت بیشتری را برای زنان فراهم کند. این طراحی‌ها می‌توانند شامل ایجاد فضاهایی با دید بهتر، حذف نقاط کور، و افزایش حضور مردم در فضاهای عمومی باشد که در نهایت موجب افزایش احساس امنیت زنان می‌شود. در نهایت نظریه "کنترل اجتماعی" فوکو نیز به رابطه قدرت و نظارت در فضاهای عمومی تأکید دارد و بیان می‌کند که فضاهای شهری به‌عنوان مکان‌هایی برای اعمال قدرت و کنترل طراحی شده‌اند. در این فضاها، نظارت اجتماعی بر بدن زنانه اعمال می‌شود و این کار باعث می‌شود که زنان در فضاهای عمومی همواره تحت نظارت و کنترل قرار گیرند. این نظارت و کنترل‌ها نه تنها از طریق نظارت‌های مستقیم مانند دوربین‌های مداربسته، بلکه از طریق فرهنگ و هنجارهای اجتماعی که رفتار زنان را محدود می‌کند، انجام می‌شود. در نتیجه، زنان خود را در معرض قضاوت‌های اجتماعی یا نظارت‌های پنهان احساس می‌کنند و این احساس نظارت و کنترل، خود به‌عنوان عاملی برای محدود کردن آزادی زنان در فضاهای عمومی شهری عمل می‌کند.

در نهایت بررسی روایت‌های زنان از حضور و دسترسی به فضاهای عمومی شهری در تبریز نشان می‌دهد که ادراک بدن زنانه در این فضاها تحت تأثیر نابرابری‌های ساختاری و هنجارهای اجتماعی قرار دارد. زنان تجربه‌های متفاوتی از حضور در شهر را بیان می‌کنند که با احساس ترس، ناامنی و بیگانگی همراه است. این احساسات عمدتاً ناشی از طراحی مردانه فضاهای شهری و نوع مدیریت شهری است که دسترسی آن‌ها را محدود کرده و حضورشان را مشروط به هنجارهای فرهنگی و اجتماعی ساخته است. سلطه مردان بر فضاهای عمومی، که با اشکال مختلف کنترل و نظارت همراه است، باعث شده زنان حضور خود را در این محیط‌ها به‌صورت موقتی، محتاطانه و تحت مراقبت دائمی از بدن خود تجربه کنند. از منظر حق به شهر، حضور ایمن و آزادانه زنان در فضاهای عمومی، بخشی از حق بنیادین آن‌ها در برخورداری از فرصت‌های شهری است. با این حال، در تبریز همچنان بدن زنانه در مواجهه با فضاهای عمومی به‌عنوان عنصری تحت نظارت و کنترل درک می‌شود که این امر، محدودیت‌هایی در سبک زیستی زنان ایجاد کرده و احساس تعلق آن‌ها به شهر را تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی، حرکت از فضای مردانه‌شده به سمت فضاهای تعاملی، که حضور زنان را به‌عنوان بخشی از ساختار اجتماعی شهر به رسمیت بشناسد، ضرورتی انکارناپذیر است. لذا لزوم توجه به حرکت از مردانه بودن فضا در شهر به سمت تعاملی شدن فضا بین زنان و مردان در شهر تبریز احساس می‌گردد و در این خصوص پیشنهادهای بدین شرح ارائه می‌گردد:

بهبود وضعیت روشنایی‌ها و نورپردازی‌های معابر و فضاهای شهری برای راحتی در رفت و آمد زنان در شهر، ایجاد امنیت در پل‌های هوایی از طریق عدم استتار این پل‌ها و قابل رویت بودن فضا و احساس امنیت زنان در روی پل‌های هوایی، نصب برجسب‌هایی حاوی اطلاعات شناسایی رانندگان تاکسی بر روی وسیله نقلیه عمومی به منظور از بین بردن حس ناامنی زنان،

ایجاد پارک‌های ویژه بانوان در مناطق مختلف در کنار پارک‌های عمومی که حق انتخاب برای استفاده بانوان در این خصوص محفوظ باشد، افزایش اتوبوس‌های ویژه بانوان در مناطق مختلف شهر برای کاهش دادن اذحام جمعیت زنان در ایستگاه‌های اتوبوس شهری، فراهم‌سازی بسترهای قانونی برای ایجاد انجمن‌ها، سازمانهای حمایت از زنان و ارائه افکار و ایده‌هایی در خصوص دغدغه‌های حقوقی آنان از جمله حق به شهروندی و حق به شهر و...، قانونی کردن حق استفاده زنان از وسایل نقلیه همچون موتور و دوچرخه برای تردد در فضاهای شهری.

## تضاد منافع

نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی اعلام نمی‌کنند.

## تشکر و قدردانی

نویسندگان از همه مصاحبه‌شوندگان که با اختصاص وقت و ارائه اطلاعات ارزشمند در این پژوهش مشارکت داشته‌اند، صمیمانه قدردانی می‌نمایند.

## منابع

- Abazari, Y., Sadeghi Fasayi, S., Hamidi, N. (2008). Insecurity Feeling in Female Experience of Everyday Life. *Woman in Development & Politics*, 6(1), 75-103 . [In Persian].
- Abbaszadeh, M. (2012). Validity and reliability in qualitative researches. *Journal of Applied Sociology*, 23(1), 19-34 .[In Persian].
- Abrahams, N., Jewkes, R., Laubscher, R., & Hoffman, M. (2006). Intimate partner violence: Prevalence and risk factors for men in Cape Town, South Africa. *Violence and victims*, 21(2), 247-264.
- Alizadeh, H., Bork-Hüffer, T., Kohlbacher, J., Mohammed-Amin, R. K., & Naimi, K. (2024). The contribution of urban public space to the social interactions and empowerment of women. *Journal of Urban Affairs*, 46(4), 717-740. <https://doi.org/10.1080/07352166.2022.2095915>
- Askarizad, R., He, J., & Dastoum, M. (2025). Gender disparity in public spaces of Iran: Design for more inclusive cities. *Cities*, 158, 105651. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105651>
- Bassett, S. M. (2013). The role of spatial justice in the regeneration of urban spaces: Groningen, The Netherlands. MUP Capstone. <https://hdl.handle.net/2142/45124>
- Beheshti-Asl, A., Valizadeh, R., & Ahmadzadeh, H. (2012). Measuring the quality of urban spaces with a gender justice approach in metropolises: Case study of Tabriz metropolis. *Journal of Sociological Studies*, 14(55), 91-109. [In Persian].
- Chinomona, E., & Maziriri, E. T. (2015). Women in action: Challenges facing women entrepreneurs in the Gauteng Province of South Africa. *International Business & Economics Research Journal (IBER)*, 14(6), 835-850.
- Efe Güney, M., Ay, F., Tuncay, B., Tanrıverdi, S., Şanlı, N., & Akbudak, H. (2022). Assessment of Green areas criteria regarding women-friendly city concept: case study of çiğli. *Cogent Social Sciences*, 8(1), 2148418. <https://doi.org/10.1080/23311886.2022.2148418>
- Farastkhah, M. (2016). Qualitative research method in social sciences with emphasis on grounded theory. *Agah*. [In Persian].
- Fathi Sorkhni, E. (2019). Studying the right to the city: Emphasizing women's rights (Master's thesis). University of Guilan, Department of Geography and Urban Planning. [In Persian].
- Ghaderzade, O. and Khazaie, S. (2014). A qualitative study of semantic implications women's sense of insecurity in public spaces. *Woman in Development & Politics*, 12(3), 405-424. doi: 10.22059/jwdp.2014.53691 . [In Persian].
- ghahri lalaklou S, darskhan R, faramarzi asli M, mirgholami M, sabbagh dekharghani S. (2023). analysis the effective factors on the formation of women's ideal territory in urban parks (Case study: El Goli, shams , valiasr of Tabriz). *jgs*. 23(70), : 4 doi:10.61186/jgs.23.70.55 . [In Persian].
- Harvey, D. (2013). *Rebel Cities: From the Right to the City to the Urban Revolution*. Verso.



- Heise, L. (2018). Violence against women: the missing agenda. In *The health of women* (pp. 171-196). Routledge.
- He-Schaefer, Y., & Fan, C. C. (2024). Urban-urban split households in China: Gender, migration, and stay-behind women. *Transactions in Planning and Urban Research*, 3(1-2), 11-26. <https://doi.org/10.1177/27541223241239639>
- Kern, L. (2021). Feminist City: Claiming Space in a Man-Made World. *The AAG Review of Books*, 9(3), 27-28. <https://doi.org/10.1080/2325548X.2021.1921456>
- Koskela, H. (1997). Bold walk and breakings: Women's spatial confidence versus fear of violence. *Gender, Place & Culture*, 4(3), 301-320. <https://doi.org/10.1080/09663699725369>
- Lecompte, M. C., & Pablo, B. S. J. (2017). Transport systems and their impact con gender equity. *Transportation research procedia*, 25, 4245-4257. <https://doi.org/10.1016/j.trpro.2017.05.230>
- Madge, C. (2008). Public Parks and the Geography of Fear. *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 88(3), 237-250. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.1997.tb01601.x>
- Muluneh, M. D., Stulz, V., Francis, L., & Agho, K. (2020). Gender based violence against women in sub-Saharan Africa: a systematic review and meta-analysis of cross-sectional studies. *International journal of environmental research and public health*, 17(3), 903. <https://doi.org/10.3390/ijerph17030903>
- Naghdi, A. and Darabi, S. (2014). Women's access to urban spaces (Case study: women in Ilam). *Journal of Woman in Culture and Arts*, 6(4), 461-470. doi: 10.22059/jwica.2014.56020. [In Persian].
- Napier, J. L., Suppes, A., & Bettinsoli, M. L. (2020). Denial of gender discrimination is associated with better subjective well-being among women: A system justification account. *European Journal of Social Psychology*, 50(6), 1191-1209. <https://doi.org/10.1002/ejsp.2702>
- Oparaocha, S., & Dutta, S. (2011). Gender and energy for sustainable development. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 3(4), 265-271. <https://doi.org/10.1016/j.cosust.2011.07.003>
- Ortiz Escalante, S., & Gutiérrez Valdivia, B. (2015). Planning from below: using feminist participatory methods to increase women's participation in urban planning. *Gender & Development*, 23(1), 113-126. <https://doi.org/10.1080/13552074.2015.1014206>
- Pain, R. (1991). Space, sexual violence and social control: Integrating geographical and feminist analyses of women's fear of crime. *Progress in Human Geography*, 15(4), 415-431. <https://doi.org/10.1177/030913259101500403>
- Pradhan, M. R., & De, P. (2025). Men's gender role and attitude toward sexual autonomy of women in India. *PLoS one*, 20(1), e0317301. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0317301>
- Safari, M., Shamai, A., Movahed, A. and Shahhosseini, P. (2021). The effect of presence in women's space on women's right to the city with the role of motivating moderator (Case study: Women's parks in Isfahan). *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 12(2), 415-445. doi: 10.22059/jrd.2021.313733.668599. [In Persian].
- shekarbeigi, A. and radin, P. (2016). the study of Sense of insecurity of women in urban public spaces and the the facts of relationship with that.. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(2), 87-126. doi: 10.22051/jwsps.2016.2489. [In Persian].
- Shokohfar, F., Davudpour, Z., & Bigdali-Rad, V. (2012). Right to the City and Sexual Differences Challenges (Case Study: Qazvin City). *Human Settlement Planning Studies*, 17(4), 977-989. Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.20.6. [In Persian].
- Shrestha, B., Tiwari, S., & Bajracharya, S. (2021). Role of gender participation in urban household energy technology for sustainability: A case of Kathmandu. *Discover Sustainability*, 2(1), 1-18. <https://doi.org/10.1007/s43621-021-00027-w>
- Stanko, E. A. (1996). *Everyday Violence: How Women and Men Experience Sexual and Physical Danger*. Pandora.
- Valentine, G. (1989). The geography of women's fear. *Area*, 21(4), 385-390
- Yadav, A., & Kumari, R. (2024). Gender safety perspective in urban planning: The case of pedestrian mobility in Kanpur city. *Cities*, 147, 104845. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.104845>